هفت‌جهان

دزدها به خانه پاموک زدند

● **شرق:** خانه برنده جایزه نوبل ادبی مورد دستبرد سارقان قرار گرفت. اورهان پاموک که بعد از سه هفته تعطیلات به خانه‌اش در خیابان سیهانگر استانبول برگشته بود با در شکسته خانه‌اش روبه‌رو شد. سارقان قفل‌های خانه این برنده نوبل ادبی را شکسته و اشیایی را دزدیده بودند. به گزارش حریت چاپ ترکیه، پاموک بعد از تماس با پلیس به خبرنگاران گفت: «من سه هفته برای تعطیلات در آمریکا بودم و وقتی بازگشتم متوجه شدم خانه‌ام را دزد زده است.» به‌گفته پاموک در این سرقت لپ‌تاپ و دوربین‌های امنیتی خانه به سرقت رفته است. به نظر نمی‌رسد این دزدها برای سرقت اشیای گرانبها آمده باشند. پلیس استانبول در حال بررسی این سرقت است. گفته می‌شود دوربین‌های امنیتی که در اطراف خانه در منطقه بی‌اوغلو قرار دارد تصویر دونفر را که مظنونان این پرونده هستند ثبت کرده‌اند. این دونفر بازداشت شده‌اند. همسایه‌های پاموک گفته‌اند که در این سه هفته به دلیل نوری که داخل خانه بوده است نمی‌توانستند داخل خانه را ببینند. اورهان پاموک نویسنده سرشناس و برنده نوبل ادبی ترک‌تبار در شهر استانبول در محل نیشان تاشی در خانه‌ای بزرگ که متعلق به خاندان پدری او بوده است به دنیا آمده و در همان خانه که مجتمع پاموک نام دارد بزرگ شده است. او تا چندسال پیش که اتوبیوگرافی مشهور خود، «استانبول خاطرات و شهر» را نوشته بود در مجتمع پاموک که هنوز نسل دوم و سوم خاندان پاموک در آن زندگی می‌کنند اقامت داشت. خانه و محله‌ای که پاموک در استانبول در آن زندگی کرده است نقش مهمی در کتاب‌های او دارد. پاموک پس از دریافت نوبل ادبی رمانی را با عنوان موزه معصومیت نوشت؛ رمانی که به عشق و زندگی میان سنت و مدرنیسم در شهری چون استانبول در چند دهه می‌پردازد. او بعد از نوشتن این رمان با جایزه‌ای که از نوبل ادبی به دست آورده بود ساختمانی را که در رمان به تصویر کشیده بود در محله بی‌اوغلو استانبول نزدیک خیابان استقلال خرید و تبدیل به موزه‌ای کرد که داستان را روایت می‌کند. این موزه امسال توانست جایزه موزه برتر سال ۲۰۱۴ جهان را از جهت خلاقیت به خود و پاموک اختصاص دهد.

قاب جادو

ماه عسل با طعم ترحم

وحید معتمدنژاد
فعال فرهنگی

● ارتباط همیشه به صورت دوطرفه بوده که از آن در دنیای ارتباطات امروزی به‌عنوان «ارتباط دوجانبه» یاد می‌شود و تاثیراتی گاه عمیق و گاه سطحی از خود به‌جا می‌گذارد. مهارت کلام، نوع بینش و موضوع گفت‌وگوی هرکدام از طرفین، در باور و میزان سنجش نفوذ کلامی و شخصیتی فرد از مواردی است که به موفقیت گفتاری و شنیداری از حیث درک و فهم آن می‌انجامد. تلقی این نظریه با برنامه‌های بحث‌برانگیز رسانه ملی از نگاه اجتماع، هیچ‌گاه پوشیده نیست و همیشه چراغ انتقاد آن روشن است. در این خصوص برجسته‌نمایی آسیب‌های اجتماعی و دل‌کاوی‌های فروخفته که با طعم شیرین «ماه عسل»، افطار را بر کام روزه‌داران تلخ می‌کند، گرچه به‌ظاهر پندآمیز است و در خود مخاطبانی دارد، اما به‌دور از رسالت واقعی رسانه‌ها، ثبت لحظه‌های تحریک و ترحم است. چه آنجا که مجری توانای رسانه ملی سعی در نقب‌زدن به لایه‌های زیرین احساس مخاطب دارد و چه آنجایی که میهمان برنامه، با افتخار پرده از اسرار می‌گشاید. علاوه بر ترحم، ابزاری که به کمک این برنامه می‌شتابد، توسل به عواطف مخاطبی است که مجری درصدد القای سخن خود به وی است؛ از دامنه وسیع واژه و کلمات گرفته تا شور و هیجان پی‌درپی میهمان برنامه. این‌همه در قاموس این رسانه ملی و در کنار تبلیغات سودآور، فقط مخاطب‌پذیری را ترغیب و تشویق می‌کند و با تاثیرات سودمند بر بهبود و هم‌افزایی در چاره‌اندیشی چالش‌ها، فاصله دارد. از آلبر کامو در اثر به‌یادماندنی او «طاعون» جمله‌ای با این مضمون ثبت است که می‌گوید: «ترحم زمانی ارزشمند است که تمام انسان‌ها نیازمند ترحم نباشند.» در این مقال، منظور و مقصود، وفق چنین سخنی با روحیه حاکم بر ارزش‌های اجتماعی کنونی ایران است که در بسیاری از مواقع، حس ترحم به همنوع در انواع گرفتاری‌های روزمره، جای خود را به بی‌تفاوتی‌های عمدی داده و شخص گرفتار را در صحنه‌های گوناگون جامعه به حال خود رها می‌کنیم؛ امری که با هرگونه تکدی‌گری‌ای کاملا مغایر است. انطباق مفهومی ترحم، عواطف و احساس در بستر این بحث به صورت آشکار، محل کاربرد و استفاده کلامی در پذیرش عقاید و نظریات یکسویه ارتباطی از سوی مجری این برنامه را به‌همراه داشته و صرفا در حد بروزنمایی معضلات و مشکلات اجتماعی بدون هیچ‌گونه راهکاری است. حال با چنین واقعیتی، اجرای اینگونه برنامه‌ها در حکم «مصادره به مطلوب» ذهن و روح هر دو سوی پیام‌دهنده و پیام‌گیرنده است که در خلق آثار اینچنینی، تنها نمود بیرونی داشته و این همان روشی است که سال‌هاست رسانه ملی از آن بهره برده و به‌زعم خود مخاطب‌آفرینی می‌کند.

علی عطشانی در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

پای بابک زنجانی چگونه به سینما باز شد؟

علی عطشانی اولین نفر از سمت چپ، عکس: امیرحیدری، شرق

بهناز شیربانی: سال گذشته علی عطشانی با خبر ساخت فیلمش «نقش نگار» حاشیه‌ساز شد. حاشیه‌ها از روز آخر فیلمبرداری شروع شد، زمانی که عطشانی در جشنی، به‌طور رسمی از حضور بابک زنجانی در مقام سرمایه‌گذار این فیلم خبر داد و رسانه‌ها را متوجه این رخداد کرد. «نقش نگار» سال گذشته در جشنواره فیلم فجر حضور نداشت و اهالی رسانه تنها در یک نمایش آن هم در سالن وزارت ارشاد، فیلم را دیدند. این فیلم این روزها مشکلاتش حل شده و قرار است به‌زودی به مرحله اکران عمومی برسد. فیلمی که نام ناصر ملک‌مطیعی، بازیگر پیشکسوت سینمای ایران را بر پیشانی دارد و همین اتفاق به‌خودی‌خود آن را برجسته می‌کند و قطعا علاقه‌مندان بسیاری منتظرند تا بار دیگر نقش‌آفرینی این بازیگر کهنه‌کار را پس از سال‌ها ببینند. گفت‌وگوی زیر چکیده حرف‌های عطشانی درباره اتفاقات چند ماه گذشته است.

فیلم «نقش نگار» بعد از پایان فیلمبرداری با حواشی بسیاری همراه شد که یکی از آنها، حضور بابک زنجانی به‌عنوان سرمایه‌گذار فیلم بود. قرار است این فیلم به‌زودی اکران شود، با توجه به مشکلات پیرامون آقای زنجانی آیا نام او به‌عنوان سرمایه‌گذار در تیتراژ فیلم خواهد آمد؟

قبل از اینکه بابک زنجانی در فیلم «نقش نگار» سرمایه‌گذاری کند، در چند فیلم دیگر هم به‌عنوان سرمایه‌گذار حضور داشت و موضوع عجیبی نبود! اما به واسطه اینکه سیاست کاری من همیشه برپایه صداقت است و اینکه اساسا اهل مخفی‌کردن چیزی نیستم بنابراین از همان ابتدا نخواستم حضور آقای زنجانی را در این فیلم مخفی کنم، چراکه آقای زنجانی یا هر سرمایه‌گذار دیگری که پولش را به سینما تزریق می‌کند، قدمی به نفع اقتصاد سینما بر می‌دارد و فکر می‌کنم تنها کسی که خبر رسمی حضور بابک زنجانی را در فیلمش اعلام کرد، من بودم.

از ابتدا می‌دانستید حضور او در فیلم به‌عنوان سرمایه‌گذار، حواشی‌ای به همراه خواهد داشت؟

از ابتدا می‌دانستم که هیچ مشکلی برای من و فیلم به وجود نخواهد آمد. فکر کنید که می‌خواهید خانه‌ای بخرید، وقتی قرار است آن خانه را بخرید دیگر با شما نیست که تحقیق کنید و ببینید مالک قبلی خانه، پول خرید ملک را از کجا آورده است؟ من هم وظیفه ندارم بروم و ببینم سرمایه‌گذار فیلم من پولش را از کجا آورده است. کما اینکه هنوز هم معتقدم، اگر بابک زنجانی مشکلی داشته باشد، الان در حال رسیدگی و پیگیری است، که به اعتقاد من مشکلی نداشته و به نظر من شرایط آقای زنجانی خیلی پیچیده‌تر از این حرف‌هاست که به این راحتی بتوان چنین وصله‌هایی به او چسباند. اما چون مبحث مورد نظر ما سیاسی نیست من به این موضوع ورود نمی‌کنم. فقط در این حد می‌توانم بگویم که شجاعت و شهامتی که بابک زنجانی در ارتباط با ورود به سینما داشت، بسیار ستودنی و قابل ستایش است. ای کاش زنجانی و امثال زنجانی‌هایی که به سینما اعتقاد و اطمینان دارند، تعدادشان بیشتر بود و با تمام اعتقادشان سرمایه‌شان را به سینما تزریق می‌کردند. بسیاری از کسانی که امروز داعیه‌دار این هستند که چرا زنجانی پولش را به سینما آورد، کسانی هستند که بلافاصله بعد از جشنی که ما پایان فیلمبرداری «نقش نگار» گرفتیم و حضور آقای زنجانی را رسانه‌ای کردیم، شخصا با من تماس گرفتند و فقط می‌خواستند یک قرار ملاقات با آقای زنجانی داشته باشند! اگر روزی نیاز باشد، حتی اسم تک‌تک آنها را می‌گویم، که چه پست‌هایی داشتند. متاسفانه در حال حاضر نمی‌توانم خیلی از حرف‌ها را رسانه‌ای کنم، اما افراد زیادی در آن زمان از من می‌خواستند واسطه‌ای بشوم که فقط پنج دقیقه بابک زنجانی را ببینند. به نظر من برخورد دوگانه به هیچ‌وجه درست و انسانی نیست. اگر کسی با بابک زنجانی و پولش مشکل داشت، چرا آن زمان به‌دنبال یک قرار ملاقات چنددقیقه‌ای با او بود؟ و اگر پولش مشکل نداشت، الان چرا این حرف‌ها را می‌زنید؟ در پاسخ به پرسش ابتدایی شما باید بگویم که آقای زنجانی به‌عنوان شخصی که سرمایه‌گذار فیلم من است و ۹۰درصد سرمایه فیلم متعلق به او است، اسمشان به‌عنوان سرمایه‌گذار در تیتراژ قیدشده است.

گویا عدم نمایش فیلم در جشنواره فیلم فجر سال گذشته به‌دلیل همین حرف‌وحدیث‌ها بود. آیا اینطور است؟

بعد از اتفاقات جشنواره فجر سال قبل قرار بود فیلم در جشنواره نمایش داده شود که نشد. باید همین‌جا اعلام کنم که هیچ‌کدام از اتفاقات فیلم، کوچک‌ترین ربطی به آقای زنجانی نداشت. این را می‌توانید از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا مراجع ذیصلاح استعلام کنید.

پس مشکل چه بود؟

مشکل فیلم بابت حضور آقای ملک‌مطیعی بود. آقای زنجانی اگر مشکلی داشته یا نداشته به من و مرجعی که فیلم را بررسی می‌کند، ربطی ندارد. آن یک مساله‌ای است که باید در جایگاه خودش بررسی شود. مشکل فیلم هم با درایت آقایان ایوبی، احسانی و به‌خصوص این اواخر آقای فرجی حل شد و حقیقتا برای اینکه یک مشکل به مشکلات فیلم ما اضافه نشود خودشان این مشکل را حل کردند و من از آقایان ایوبی، احسانی و فرجی تشکر می‌کنم که اگر پیگیری‌های آنها نبود، مشکل این فیلم هیچ‌وقت حل نمی‌شد. آنها پشت فیلم ایستادند و یادم نمی‌رود که آقای ایوبی در طول برگزاری جشنواره فیلم فجر، با من ارتباطش را قطع نمی‌کرد و مدام به من می‌گفت صبر داشته باش، مشکل حل می‌شود و دیدم چه پروسه سختی را سپری کردند تا این قضیه حل شد. آقای جنتی هم خیلی به من کمک کردند و طی دو، سه جلسه‌ای که با آقای جنتی داشتم، ایشان هم نظر مساعدی به فیلم داشتند و فکر می‌کنم اگر همیشه با چنین سعه‌صدر و درایتی به مشکلات فیلم‌ها رسیدگی شود هیچ‌وقت فیلم توقیفی نخواهیم داشت.

اینجا پرسشی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه به‌هرحال قبل از ساخت فیلم، فهرستی از بازیگرانی که قرار است در فیلم حضور داشته باشند به سازمان سینمایی ارایه و امامی با توافق وزارت ارشاد نهایی می‌شود. حضور آقای ناصر ملک‌مطیعی پس از این‌همه سال در یک فیلم، اتفاق مهمی است. نام آقای ملک‌مطیعی آن‌موقع در فهرست بازیگران پیشنهادی شما بود؟

زمانی که می‌خواهند پروانه ساخت صادر کنند، کارگردان معمولا فهرستی از بازیگران پیشنهادی به وزارت ارشاد ارایه می‌دهد. من هم طبق این اصل فهرستم را ارایه دادم اما در آن اسم آقای ملک‌مطیعی نبود، آن هم به این دلیل که من تا روز بیست‌وپنجم فیلمبرداری نمی‌دانستم حضور او در کار قطعی خواهد بود یا نه و تازه اواخر کار توانستم رضایتش را جلب کنم و برای من هم خوشایند بود که آقای ملک‌مطیعی بعد از این‌همه سال بار دیگر در سینما دیده شود و در فیلم من ایفای نقش کند.

چطور با آقای زنجانی آشنا شدید؟ قبل از ساخت فیلم با هم مراوده داشتید، یا همه‌چیز از «نقش‌نگار» شروع شد؟

زمانی که می‌خواستم «نقش نگار» را بسازم، دونفر به‌عنوان سرمایه‌گذار آمدند و درباره چگونگی شروع کار صحبت کردیم. من با این دو نفر قرارداد بستم و با یک رقمی ساخت فیلم را شروع کردیم. فرض کنید که مبلغ ۵۰میلیون‌تومان به‌عنوان قسط اول پرداخت کردند تا ما پیش‌تولید را شروع کنیم. فیلمبرداری که شروع شد، یکی از سرمایه‌گذاران یک قسط صدمیلیونی داد و ما اقساط اول را پرداخت کردیم. تقریبا به روزهای هفتم یا هشتم فیلمبرداری که رسیدیم یکی از سرمایه‌گذاران اعلام کرد که پولی ندارد در اختیار پروژه بگذارد و رسما کنار کشید. البته اشتباه از خودم بود که قراردادی نبسته بودم. تقریبا به روزهای دهم یا دوازدهم فیلمبرداری رسیده بود که من با همه گروه قرارداد بسته بودم و چک هم داده بودم و در این شرایط سرمایه‌گذار دوم هم اعلام کرد که من هم پولی ندارم. روزهای ۱۵ یا ۱۶ فیلمبرداری بود، که من ماندم و تعداد زیادی قرارداد و بدهی. اما نگذاشتم هیچ‌کدام از عوامل فیلم متوجه این اتفاق شوند، چون داشتیم کار می‌کردیم و دوست نداشتم کار متوقف شود. تنها کاری که کردم، این بود که شروع کردم با سرمایه‌گذارهای مختلف رایزنی کردن و سه یا چهار روز درگیر صحبت‌کردن با اسپانسرها و سرمایه‌گذارها بودم و با هیچ‌کدام به توافق نرسیدیم. داشتم به این نتیجه می‌رسیدم که کار را تعطیل و اعلام کنم که با توجه به اینکه سرمایه‌گذار ما نتوانست مابقی پول پروژه را تامین کند، کار تعطیل می‌شود. آن‌روزها شرایط روحی بدی داشتم و نمی‌دانستم چه‌کار کنم. همان روزها، دوستی به من گفت که بابک زنجانی را می‌شناسی و تا به حال از او خواستی که اسپانسر کارت شود؟ من هم که تا پیش از این فیلم ارتباطی با آقای زنجانی نداشتم جوابم منفی بود. این دوست من قراری گذاشت که بتوانیم بابک زنجانی را از نزدیک ببینیم و یک شب بعد از پایان فیلمبرداری به دفتر بابک زنجانی رفتیم. آقای زنجانی بعد از دیدن ما، خیلی گرم و صمیمی برخورد کرد و گفت که یکی- دو تا از کارهای من را دیده است و علاقه‌مند بود اگر کمکی از دستش برمی‌آید انجام بدهد. از من خواست که قراردادی تنظیم کنم و روز بعد دوباره به دفترش بروم و من فردای آن روز باز به دفترش رفتم. چند شرط مالی برایم گذاشت و طبق قراردادی که امضا کردیم سرمایه‌گذار فیلم شد و این نخستین آشنایی من با او بود. اما بعد از آن کمی به او نزدیک‌تر شدم و طی صحبت‌هایی که با هم داشتیم، چیزهای بیشتری از شخصیت و رفتارش فهمیدم. برای این شناخت است که دلم می‌سوزد، بابت اینکه اینطور درباره‌اش قضاوت می‌شود و فکر می‌کنم کمی درباره این آدم بی‌انصافی می‌شود. زمانی که هنوز در دفترش بود، یک قرار ۲۰دقیقه‌ای با هم داشتیم و حرف زدیم، حالش خوب نبود و درددل کرد، خیلی حرف‌ها زد که فکر می‌کنم در مورد این آدم بی‌انصافی شده است. من نمی‌گویم که این آدم مبرا از اشتباه است، اما همه واقعیت چیزی که مردم عام از این آدم می‌دانند، نیست.

آقای زنجانی به‌عنوان شخصی که سرمایه‌گذار فیلم من است و ۹۰درصد سرمایه فیلم متعلق به او است، اسمشان به‌عنوان سرمایه‌گذار در تیتراژ قیدشده است

از این حرف‌ها که بگذریم، بابک زنجانی تا چه حد، از حوزه سینما شناخت داشت؟

در جریان هستید که چه دستگاه‌های سینمایی به کشور وارد کرد؟ به نظر من اینها یعنی دلسوزی. دلسوزی که شاخ و دم ندارد. با کارهایی که او در عرصه سینمایی انجام می‌داد، مطمئنم اولین کمپانی سینمایی به معنی واقعی می‌توانست در ایران به وجود بیاید. یقین دارم، اگر بابک زنجانی یکی، دوسال می‌توانست با روش خودش در سینما جلو برود، قطعا کمک زیادی به سینما می‌کرد. با فاکتورگرفتن فیلم من، در همین سال‌های ۹۱ و ۹۲ بابک زنجانی چقدر به سینمای ما کمک کرد؟ در چه فیلم‌هایی مستقیم و غیرمستقیم ورود کرد؟ زمانی که من مانده بودم و یک میلیارد و نیم بدهی، درد مرا فهمید. بعد از جشنی که در آن بابک زنجانی را سرمایه‌گذار کارم معرفی کردم، بسیاری از سرمایه‌گذارانی که تا پیش از آن با آنها درباره فیلم صحبت کرده بودم و نپذیرفته بودند به پروژه کمک کنند، ابراز تمایل کردند که با من همکاری کنند، ولی دیگر برای من همکاری با آنها ارزشی نداشت، فیلم ساخته شده بود و آن زمان که نیاز به کمکشان داشتم هیچ‌کدامشان نبودند.

به یاد می‌آورم تا شب جشن پایان فیلمبرداری «نقش نگار» آقای ملک‌مطیعی و عوامل و دیگر بازیگران فیلم از حضور آقای زنجانی به‌عنوان سرمایه‌گذار فیلم اطلاعی نداشتند، دلیل اینکه نخواستید عوامل کار در جریان قرار بگیرند چه بود؟

چند دلیل داشت. هنوز هم می‌بینید چه هجمه‌ای از حرف‌های ناجوانمردانه پشت‌سر بابک زنجانی هست. شک نکنید اگر زمان فیلمبرداری اعلام می‌کردم سرمایه‌گذار کارم بابک زنجانی است، این دشمنی‌ها، علیه من هم شروع می‌شد. دلیل دوم اینکه، با توجه به اینکه بابک زنجانی استطاعت مالی فراوانی داشت، ممکن بود یکسری از دوستان توقع مالی متفاوتی پیدا کنند. صادقانه می‌گویم که قصد داشتم فیلمبرداری به دور از حاشیه انجام شود. البته این را هم در نظر بگیرید که زمان حضور آقای زنجانی در این فیلم، اواخر کار اتفاق افتاد و در چند روز آخر فیلمبرداری نمی‌خواستم کار دچار حاشیه شود و بعدش هم که دیدید، جشنی گرفته شد که رسما از سرمایه‌گذار فیلم حرف زدیم و اعلام کردم که بابک زنجانی با ما همکاری می‌کند.

حضور آقای ملک‌مطیعی در این فیلم اتفاق ویژه‌ای است، آقای بابک زنجانی وقتی متوجه شد آقای ملک‌مطیعی در کار حضور دارد چه واکنشی نشان داد؟

خیلی استقبال کرد. زمانی که آقای ملک‌مطیعی را توانستم راضی کنم، بلافاصله با آقای زنجانی تماس گرفتم و گفتم باید سریع ببینمت. وقتی درباره حضور آقای ملک‌مطیعی با بابک زنجانی صحبت کردم، اول باور نکرد. اصلا یکی از دلایلی که باعث شد به این فیلم عرق داشته باشد، حضور آقای ملک‌مطیعی بود. من هم پشتم به این گرم بود که سرمایه‌گذار فیلمم به فیلم علاقه‌مند است و تا لحظات آخر پیگیر فیلم بود.

با توجه به بدهی‌های بابک زنجانی گویا قرار است عواید حاصل از فروش فیلم «نقش نگار» به‌دلیل شرایط آقای زنجانی به حساب قوه‌قضاییه واریز شود، همین‌طور است؟

اصلا اینطور نیست. فیلم زمان پخش سازوکار مشخص خودش را دارد. پخش‌کننده، عواید حاصل از فروش فیلم را به مالکان فیلم پرداخت می‌کند. ۹۰درصد از فیلم «نقش نگار» متعلق به بابک زنجانی است و در نبود آقای زنجانی، آقای محمود دینی به‌عنوان مدیرعامل «سورینت» این قضیه را پیگیری می‌کند. این پول مستقیم به حساب سورینت می‌رود و مابقی سرمایه‌گذاری هم که با من است.

بعد از پایان فیلمبرداری و حواشی که بابت حضور آقای زنجانی اتفاق افتاد، برای شما هم مشکلی ایجاد شد یا خیر؟

در مورد بابک زنجانی، نه نهادی من را خواست و نه اتفاق بد دیگری افتاد.

معمولا در فیلم‌های قبلی شما این اتفاق افتاده که حاصل کار در زمان اکران یا ساخت هم حواشی زیادی داشته، نمونه آن فیلم «تلفن همراه رییس‌جمهور» که زمان اکران، شرایط ویژه‌ای داشت. هدف شما از ساخت فیلم «تلفن همراه رییس‌جمهور» چه بود؟

هدفم از ساخت این فیلم انتقادهایی بود که از آقای احمدی‌نژاد داشتم. من انتقادهایی به آقای احمدی‌نژاد داشتم که فکر کردم با این فیلم می‌توانم آنها را خیلی سازنده و در کمال ادب و به دور از بی‌ادبی و گستاخی در قالب یک اثر هنری مطرح کنم. اما خب، آقای احمدی‌نژاد از مقامش استفاده و فیلم را توقیف کرد. فیلم یک‌سال به دستور آقای احمدی‌نژاد، توقیف شد و زمانی اکران شد که زمان خوبی نبود. رسما اعلام می‌کنم هدفم از انتخاب فیلمنامه و ساخت فیلم «تلفن همراه رییس‌جمهور» انتقادهایی بود که به شخص آقای احمدی‌نژاد داشتم.

بسیاری بر این باورند که این فیلم به نوعی فیلم تبلیغاتی آقای احمدی‌نژاد محسوب می‌شد. نظر شما در این‌باره چیست؟

هرکس این حرف را زده، مطمئن باشد که آدم مساله‌داری است. چطور فیلمی که از اول تا آخر پر از انتقاد است؛ می‌تواند فیلم تبلیغاتی باشد؟ اگر اینطور است، چرا یک‌سال توقیف شد؟ اگر قرار بود این فیلم آقای احمدی‌نژاد را تایید بکند، چرا باید بدترین زمان ممکن نمایش داده شود؟

در مورد فیلم «تلفن همراه رییس‌جمهور» با آقای احمدی‌نژاد گفت‌وگویی داشتید؟ مستقیم نظرشان را در مورد فیلم پرسیدید؟

اردیبهشت سال ۱۳۹۱ قرار بود، فیلم اکران شود. تبلیغات محیطی آن آغاز شد و لابراتوار در حال آماده‌کردن کپی‌های آن بود. یک روز، تهیه‌کننده فیلم آقای علی اکبری با من تماس گرفت و گفت که یک دی‌وی‌دی جهت بازبینی ریاست محترم جمهور آماده کنم. ظاهرا در جلسه عالی سینما، آقای احمدی‌نژاد به آقای علی اکبری گفته بود که می‌خواهد این فیلم را ببیند. به هر حال یک دی‌وی‌دی آماده کردم و بعد از آن آقای علی اکبری با من تماس گرفت و گفت که آقای احمدی‌نژاد گفتند، فیلم فعلا نمایش داده نشود و فیلم یکسال بعد اکران شد.

اتفاق خوبی که مدتی است در وزارت ارشاد رخ داده، رفع توقیف برخی فیلم‌هاست. «نقش نگار» هم جزو فیلم‌هایی بود که سرانجام تکلیفش مشخص شد. نظر شما درباره عملکرد وزارت ارشاد در این مدت چیست؟

من هم از این اتفاق بسیار خوشحالم، اما فکر می‌کنم معدود افرادی در کنار آقای ایوبی حضور دارند که راهنمایی‌های درست نمی‌کنند. آقای ایوبی بسیار آدم دوست‌داشتنی و فهیمی است و عملکرد بسیار خوبی داشته و قطعا تصمیمات خوبی در آینده خواهد گرفت. آقایان احسانی و فرجی هم همینطور، کسانی که این گفت‌وگو را می‌خوانند می‌دانند که منظور من چه کسانی هستند که مشاوره‌های خوبی به آقای ایوبی نمی‌دهند. ما فیلمسازان چیز زیادی نمی‌خواهیم، فقط می‌خواهیم که سازمان سینمایی، حامی ما باشد.

زمان نمایش فیلم «نقش نگار» مشخص شده است؟

آقای بابایان، پخش‌کننده فیلم پیگیر زمان اکران هست. اما فکر می‌کنم اکران دوم عید فطر زمان نمایش این فیلم باشد.

از کار جدید چه خبر؟ ظاهرا برای پروانه ساخت اقدام کردید؟

کار جدیدم همه را غافلگیر می‌کند. برای همین است که مدتی خبری از من نیست.

فیلم امسال مقابل دوربین می‌رود؟

به احتمال زیاد؛ بله.

یاد

درفشه؛ هنرمند مهربان

آیدین آغداشلو

● منوچهر درفشه آدم بسیار نازنینی بود. من حدود ۳۵سال پیش با او همکار بودم و در یک‌جا کار می‌کردیم. بیشتر از کارهایش آنچه از او به یادم مانده اخلاقش بود. خیلی آرام، دوست‌داشتنی، محترم و مبادی‌آداب بود. در محیط کاری که بودیم به‌عنوان گرافیست، مورد علاقه همکارانش بود. به‌شخصه به دلیل همین مهربانی و اخلاقش رابطه بسیار نزدیک و دوستی داشتیم. بیشتر به‌عنوان گرافیست شناخته می‌شد و کارهای فراوانی انجام داده بود که بخشی از آنها روی کتاب‌های درسی متمرکز بود. اما از ۳۰سال پیش تا حالا خبری از او نداشتم و با شنیدن خبر درگذشتش بسیار ناراحت شدم.

چهره روز

منوچهر درفشه هم در تنهایی رفت

وداع با تصویرگر «روباه و زاغ»

● **شرق:** منوچهر درفشه درگذشت؛ تصویرگری که کودکی خیلی از ما ایرانی‌ها را با تصویر روباهی گره زد که پای درختی ایستاده و با زاغی در حال صحبت بود. تصویرگر «روباه و زاغ» هم مانند خالق «حسنک کجایی» در تنهایی و گمنامی درگذشت. یاشار درفشه، برادرزاده این تصویرگر کودک و نوجوان در گفت‌وگو با ایسنا ضمن تایید خبر درگذشت این هنرمند بر اثر ایست قلبی، گفت: «منوچهر درفشه مدت‌ها به سرطان روده مبتلا بود و جراحی کرده بود اما دیگر در این زمینه مشکلی نداشت. این بیماری فقط باعث شده بود که نتواند از خانه بیرون برود البته او چندسال بود که دچار عارضه قلبی هم شده بود.» به‌گفته یاشار درفشه، منوچهر درفشه ازدواج نکرده بود بنابراین فرزند و همسری نداشت و در روزهایی درگذشت که قرار بود به خانه دیگری اسباب‌کشی کند چون صاحبخانه ملکش را خواسته بود. خودش اصلا از این اتفاق راضی نبود. او افزود: «من و تعدادی دیگر از اعضای خانواده در حال جمع‌آوری وسایلش بودیم، او که قرار بود مدتی در خانه ما ساکن شود می‌گفت من هرگز در طول عمرم خجالت‌زده نبوده‌ام ولی اکنون از این ماجرا خجالت می‌کشم.» در پی انتشار خبر درگذشت این تصویرگر کتاب‌های درسی، مجید ملانوروزی، مدیرکل هنرهای تجسمی درگذشت درفشه را تسلیت گفت. هیات‌مدیره انجمن تصویرگران نیز در بیانیه‌ای ضمن تسلیت درگذشت درفشه درباره آیین تشییع او نوشت: «منوچهر درفشه از متقدمان تصویرگری کشورمان درگذشت. هنر پرافتخار تصویرگری، یکی از چهره‌های موثر خود در خلق تصویرهای خاطره‌انگیز کتاب‌های درسی را از دست داد. درفشه آرام و بی‌هیاهو زندگی کرد و خوشنام و سربلند از میان ما رفت. ضمن تسلیت جامعه فرهنگی ایران و سپاس از همدردی ایشان و تشکر از معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیریت خانه هنرمندان ایران، اعلام می‌کنیم مراسم تشییع پیکر ایشان، دوشنبه ۳۰ تیر ۹۳ ساعت ۱۰صبح از مقابل خانه هنرمندان ایران برگزار خواهد شد تا پیکر او در قطعه هنرمندان در بهشت زهرا به خاک سپرده شود.» منوچهر درفشه متولد ۱۳۱۹ بود که در سن ۷۴سالگی درگذشت. از معروف‌ترین کارهای او می‌توان از تصویرگری درس «روباه و زاغ» نام برد. درفشه در سال‌های جوانی‌اش در کنار هنرمندانی چون علی‌اکبر صادقی، پرویز کلانتری، مرتضی ممیز، آیدین آغداشلو و محمد احصایی کار کرده است.

شرکت ملی نفت ایران

مناقصه خرید، نصب و راه اندازی یک دستگاه دیزل ژانراتور ۳۰۰KVA و تجهیزات مربوطه جهت ساختمان ۳۲ به شماره ۱۳-۹۳

شرکت ملی نفت ایران در نظر دارد مناقصه خرید، نصب و راه اندازی یک دستگاه دیزل ژنراتور ۳۰۰KVA و تجهیزات مربوطه جهت ساختمان ۳۲ را طبق شرایط و مدارک مربوطه از طریق برگزاری مناقصه عمومی به صورت یک مرحله ای به شرکتهای ذیصلاح و واجد شرایط واگذار نماید. از متقاضیانی که دارای شرایط ذیل می باشند، درخواست می گردد حداکثر طی مدت ۱۰ روز کاری پس از درج دومین آگهی ضمن به همراه داشتن درخواست کتبی شرکت در مناقصه و معرفی نامه نماینده شرکت جهت دریافت اسناد ارزیابی، تکمیل و عودت آن در مهلت تعیین شده در اسناد، به امور قراردادها و برآورد مقادیر معاونت امور پشتیبانی مدیریت توسعه منابع انسانی به نشانی: تهران، خیابان حافظ، نبش خیابان رودسر، ساختمان مرکزی جدید شرکت ملی نفت ایران، طبقه ۱۲، اتاق ۱۲۰۳ مراجعه و در صورت لزوم با شماره تلفن های ۶۱۶۲۳۱۸۵ و ۶۱۶۲۵۰۴۱ تماس حاصل نمایند.

الف- شرایط مناقصه گران
۱-داشتن شخصیت حقوقی مستقل
۲-داشتن تجهیزات و امکانات و تخصص لازم و توانایی انجام کار مطابق استانداردهای رایج در صنعت نفت
۳-داشتن توان مالی و فنی کافی جهت اجرای موضوع پیمان
۴-داشتن توانایی ارائه ضمانتنامه بانکی برای شرکت در مناقصه به مبلغ ۳۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۵-داشتن گواهی تایید صلاحیت از مراجع ذیصلاح
۶-داشتن شناسه ملی

ب- شرایط و مشخصات کار
۱-شرح مختصر عملیات مورد نیاز، خرید، نصب و راه اندازی یک دستگاه دیزل ژنراتور ۳۰۰KVA و تجهیزات مربوطه جهت ساختمان ۳۲
۲-محل اجرای عملیات، شیراز، خیابان خاکشناسی، مجموعه ورزشی و آموزشی صنعت نفت
۳-مدت پیمان دو ماه پس از اعلام شروع به کار توسط کارفرما

ج- مدارک مورد نیاز
۱-ارائه آگهی رسمی مربوط به موضوع فعالیت شرکت
۲-ارائه مجوز فعالیت از مراجع ذیصلاح دولتی
۳-سایر موارد در اسناد ارزیابی درج گردیده است.

پس از بررسی مدارک دریافتی از مناقصه گران و انجام ارزیابی، اسناد و مدارک مناقصه بین شرکتهای واجد شرایط توزیع خواهد شد. بدیهی است در صورت عدم انطباق موضوع فعالیت شرکت با موضوع مناقصه و همچنین عدم رضایت کارفرما از عملکرد مناقصه گر، مدارک شرکت مزبور مورد بررسی قرار نخواهد گرفت. ضمنا ارائه مدارک و فرم های استعلام ارزیابی تکمیل شده هیچگونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.

شرکت ملی نفت ایران- مدیریت توسعه منابع انسانی
معاونت امور پشتیبانی
امور قراردادها و برآورد مقادیر